

تحلیلی بر ضرب سکه مستقل اسلامی در عصر امویان

رضا فرامرزنسب^۱، کاظم رحیمی^۲، زهرا احمدی^۳، عباس عابدی^۴

۱. دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران، مدرس دانشکده پرستاری ام البنین، ایران

reza.f2018@gmail.com

۲. فوق لیسانس مدیریت اجرایی، وزارت کشور، شهرداری شهر خوزی، ایران

۳. کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شیراز، دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر، ایران

mohr1398@gmail.com

۴. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین،

کارشناس فرهنگی و آموزشی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان مازندران، ایران

Aab.abedi55@gmail.com

چکیده

سکه ها بخش مهمی از حیات تاریخی هر عصر را به منصفه ظهور می رسانند به گونه ای که وضعیت تاریخی آن دوره را بر اساس واقعیت به ما نشان می دهند. یکی از منابع مالی و اقتصادی دوران امویان ضرب سکه و پول مستقل بود. ضرب سکه و پول در هر حکومت و دولتی از ضروریات بوده و باعث رونق اقتصادی و مالی آن حکومت و نظام میگردد. در دوران جاهلیت اعراب از سکه های کسروی ایرانی و بیزانسی رومی استفاده می کردند که این روند در دوره رسول خدا (ص) و خلفای راشدین نیز ادامه یافت. امام علی (ع) جهت ضرب سکه اقدام کرد ولی سکه جدید اسلامی به طور رسمی و گسترده ضرب نگردید. در دوره امویان سکه مستقل اسلامی رسماً و به طور گسترده ضرب گردید که در رشد مبادلات اقتصادی و مالی دوره امویان نقش مهمی داشت.

در این پژوهش براساس تحلیل داده های تاریخی بررسی می گردد که در عصر امویان خلفای اموی اقداماتی برای ضرب سکه اسلامی مستقل انجام دادند تا اینکه در زمان خلافت عبدالملک مروان همزمان جنبش تعریف سکه های مستقل اسلامی ضرب گردید و این امر در پیشرفت مبادلات مالی تاثیر به سزایی داشت.

واژه های کلیدی: امویان، ضرب سکه، عبدالملک مروان، معاویه

مقدمه:

هر عصری برای رونق تجاری و مبادلاتی خود به سکه و پول احتیاج دارد. ضرب سکه و پول در هر حکومت و دولتی از ضروریات بوده و باعث رونق اقتصادی و مالی آن حکومت و نظام میگردد. سرزمین عربستان که در کنار دو امپراطوری بزرگ ایران و روم بود در سکه جهت مبادلات تجاری و بازرگانی خود کاملاً وابسته به این دو امپراطوری بود. سکه‌های نقره و طلای ایرانی و رومی جهت مبادلات میان اعراب رواج داشت.

در دوران جاهلیت در عربستان، پول مستقل و مخصوص وجود نداشت و سکه‌ی خاصی ضرب نمی‌گردید. آنها با دینارهای رومی (بیزانسی) و درهم‌های کسرابی (ایرانی) مبادلات و داد ستدهای خود را انجام می‌دادند. (ماوردی، بی تا: ۹۶ و بلاذری، ۱۹۷۹: ۴۵۲-۴۵۳) اعراب در مبادلات تجاری داخلی و خارجی خود از این سکه‌ها استفاده می‌کردند به گونه‌ای که اعتبار آنها در سراسر عربستان وجود داشت و همه آنها قبول داشتند.

البته بلاذری می‌نویسد که اگر سکه‌های رومی و ایرانی از سیم وزرخالص نبود اهل مکه با آنها معامله نمی‌کردند زیرا نزد آنها مثقال وزن معینی داشت و آن برابر بود با بیست و دو قیراط و خرده‌ای کم. وزن دو درهم هفت مثقال بود. رطل دوازده اوقیه و هر اوقیه خود چهل درهم بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲)

ویژگی سکه‌های رومی و ایرانی این بود که بر روی این سکه‌ها تصاویر پادشاهان، حیوانات، دژها و تصاویری دیگر منقوش بود. درهم‌های ایرانی رایج در عربستان، سه نوع بودند از جمله الف: «درهم الوافیه» ب: درهم‌های شش‌دانگی که «الجواز» نامیده می‌شد. ج: در هم‌های چهار دانگی. (امام شوشتری، ۱۳۳۹: ۶۶) بلاذری می‌نویسد که در دوره جاهلیت اعراب مکه حساسیت خاصی نسبت به دینارهای هرقل (رومی) و در هم‌های بغلی ایرانیان که به مکه می‌رسید، داشتند به گونه‌ای که اگر این سکه‌ها از سیم یا زرخالص نبود با آن معامله نمی‌کردند. آنها توجه به وزن و مثقال داشتند که برابریا بیست و دو قیراط و خرده‌ای کم بود و وزن دو درهم هفت مثقال بود. رطل دوازده اوقیه و هر اوقیه خود چهل درهم بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲)

در زمان بعثت رسول خدا (ص) و تا زمان وفات آن حضرت (ص)، اقدامی برای ضرب سکه صورت نگرفت. طبق روال قبل از سکه‌های رایج رومی و ایرانی در داد و ستدها استفاده می‌گردید. در زمان رسول خدا (ص) هیچ تغییری در وزن سکه‌ها بوجود نیامد و همان وزنی بود که در زمان جاهلی مرسوم بود. (همان: ۳۷۲ و ۳۷۳) زکات و جهیزیه با همین سکه‌ها پرداخت می‌شد از جمله مهریه حضرت فاطمه (س) که ۴۸۰ درهم کسروی بود. (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۰۸) بلاذری روایتی نقل می‌کند که درهم‌های ضرب شده توسط ایرانیان گوناگون بود: کوچک و بزرگ. گاهی درهمی به وزن یک مثقال بود که یک مثقال بیست قیراط بود و گاهی به وزن دوازده قیراط و یا ده قیراط یعنی نیم مثقال بود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۱) وقتی که مسیحیان نجران قبول کردند، با مسلمانان صلح کنند قرار شد که مبلغی جزیه بپردازند که قسمتی از این

مبلغ، درهم و بخشی دیگر دینار بود و قسمتی هم به صورت کالا پرداخت می‌شد. (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۱۶۹)

این موضوع نشان دهنده این است که سکه‌ی مستقلی تا زمان وفات رسول خدا (ص) ضرب نگردید.

در دوره‌ی ابوبکر اقدامی برای ضرب سکه صورت نگرفت، تا اینکه در دوره‌ی عمر خلیفه دوم اولین اقدام اسلامی برای ضرب سکه صورت گرفت. در این عصر به ضرب سکه‌های فلس مطابق سکه‌های رومی دست زدند که این سکه‌ها در سال هفده‌ی هجری ضرب شد، نام خلیفه به زبان عربی بر آن نقش بسته بود. (حسینی، ۱۹۶۹: ۴۱) در این دوره پس از فتح ایران و نیز تیسفون ضراب خانه ساسانیان با همه‌ی وسایل و قالب‌های آن، به دست مسلمانان افتاد و مسلمانان، صاحب آن وسایل گردیدند و امکان ضرب سکه برای ایشان فراهم شد آنها بر اساس روش ساسانیان اقدام به ضرب سکه کردند. (حقیقت، ۱۳۵۴: ش ۱۹۵)

بعضی عقیده دارند که در سال ۱۵ هجری خالد بن ولید در شهر طبریه اقدام به ضرب دیناری کرد که دارای تاج و صلیب و چوگان بود که اسم و کنیه اش بر روی آن نقش بسته بود. (حلاق، ۱۹۷۶: ۲۴)

در زمان خلافت علی (ع) در سال چهارم هجری، سکه‌هایی ضرب شد که تمام آثار غیراسلامی از آن محو شده بود، و بر یک طرف آن به خط کوفی عبارت الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و در اطراف آن عبارت محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون، حک شده بود. ولی پس از حکومت آن حضرت، ضرب سکه‌های اسلامی متوقف شد و از رواج افتاد و نتوانست جایگزین سکه‌های قبلی گردد. (کثانی، بی تا: ۴۱۸/۱-۴۲۲)

تحولات ضرب سکه در عصر امویان

در دوره‌ی امویان در ضرب سکه تحولاتی به وجود آمد که در تحولات اقتصادی و مالی دوران آنها مؤثر بود. در این دوره در روایات تاریخی از افراد متعددی جهت ضرب سکه نام برده اند که بعضی از افراد خلفای اموی هستند و بعضی افراد از عاملان و والیان آنها می‌باشند و بعضی دیگر نیز خارج از خاندان اموی هستند ولی همزمان آنها اقدام به ضرب سکه نموده اند.

۱- ضرب سکه توسط معاویه

مقریزی می‌نویسد: معاویه سکه‌های درهم و دیناری ضرب کرد که تصویر خودش بر روی آن نقش بسته بود. (مقریزی، بی تا: ۶۰) وی به دلیل آشنایی با درهم و دینارهای ایران و روم و آگاهی از ارزش اقتصادی آن، اقدام به ضرب سکه کرد. یک طرف آن سکه‌ها نام معاویه حک شده بود، ولی این سکه‌ها ارزش زیادی نداشت و جایگاه زیادی نیافت و تاثیر زیادی در بهبود وضعیت اقتصادی ایفا نکرد. (بلاذری، ۴۷۰-۴۶۴: ۱۳۹۸) معاویه بر سکه‌های دائق (یک ششم درهم) و دینار، مردی را که به کمر شمشیر آویخته بود نقش کرد. (طغوش، ۱۳۸۴: ۱۴۳)

۲- ضرب سکه توسط زیبریان

آل زیبر که می دانستند ضرب سکه نقش مهمی در قدرتمندی آنها دارد اقدام به ضرب سکه در شهر مکه نمودند. مصعب بن زیبر در سال هفتاد هجری به پیشنهاد برادرش عبدالله بن زیبر سکه هایی همانند سکه های خسروان پارسی که گرد بود ضرب کرد که روی آن کلمه برکت و کلمه الله نقش داشت و چون حجاج آمد آنها را تغییر داد. (مقریزی، بی تا: ۶۱-۶۲ و ماوردی، بی تا: ۱۹۶ و بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲).

۳- در منابع تاریخی آمده است که فردی بنام قطری بن فجاءه خارجی نیز اقدام به ضرب سکه نمود ولی سکه های او رواج چندانی نیافت. (ماوردی، بی تا: ۱۹۶)**۴- ضرب سکه در زمان یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵ق)**

والی او در عراق شخصی بنام عمر بن هبیره بود. ابن هبیره در زمان ولایت خود در عراق بهترین و خالصترین سکه های اموی را ضرب نمود و درهم هایی نیکویی ضرب نمود و در ضرب این درهم ها تلاش فراوانی نمود. وزن سکه ها شش دانگ بود. سکه های ضرب شده توسط ابن هبیره، هبیری معروف می باشد (همان و ابن خلدون ۱۴۰۸: ۳۲۳ و فراء، ۱۴۱۴: ۲۰۲)

۵- ضرب سکه در زمان هشام بن عبدالملک

خالد بن عبدالله بن بجلي قسری وقتی که ولایت عراق یافت اقدام به ضرب سکه نمود. او در کارش دقت و توجه بسیار زیادی داشت که دقتش از ابن هبیره هم بیشتر بود. او در سال ۱۰۶ قمری وزن درهم ها را در هفت دانگ تثبیت کرد. سکه های ضرب شده توسط خالد بن عبدالله، خالدی نامیده می شود. (همان و ماوردی، بی تا: ۱۹۶)

۶- ضرب سکه در زمان ولید بن یزید

یوسف بن عمر وقتی که بعد از خالد بن بجلي در زمان خلافت ولید بن یزید والی عراق شد اقدام به ضرب سکه کرد و در کارش بسیار سخت گیری کرد و بر سکه زنان و غیار پوشان افراط ورزید و دست ها زیادی برید و تازیانه های زیادی زد. سکه های ضرب شده توسط یوسف بن عمر، سکه های یوسفی نامیده می شود. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۷)

۷- ضرب سکه توسط حجاج بن یوسف ثقفی

حجاج بن یوسف که از والیان اموی بود که خود اقدام به ضرب سکه نمود. عباس بن هشام کلیبی از پدرش و او از عوانه بن حکم روایت می کند که حجاج بر آن شد که بدانند پارسیان در ضرب درهم چکار

می کردند. پس خود دارالضرب درست کرد و سکه زنان را در آن گرد آورد و به نام مرکز خلافت از مالی که در خزانه داشت سکه ضرب می کرد و به این منظور هرچه سیم خالص داشت جمع می گردید و سیم هایی که از زیوف و ستوفه و بهرجه به دست می آمد در ضرب سکه ها استفاده می کرد. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۶) سکه هایی که حجاج در عراق ضرب کرد، «درهم های مکروهه» نامیده می شد؛ زیرا او سوره ی «قل هو الله احد» را بر روی سکه ها نوشت. فقها به کار حجاج به دلیل نوشتن قرآن بر سکه اعتراض کردند و آنرا مکروه دانستند و به همین دلیل آن، مکروهه نامیده شد. حجاج بن یوسف ثقفی وزن سکه ها را شش دانگ کرد (بلاذری، ۱۳۹۸: ۴۵۴، فراء، ۱۴۱۴: ۲۰۲)

حجاج در امر سکه در عهد امویان چندین اقدام انجام داد:

الف: ضرب سکه

ب: داغ کردن دست ضرب کنندگان سکه های تقلبی

ج: دادن اجازه ضرب سکه به بازرگانان و صنعتگران

د: دریافت مالیات ضرب سکه. (همان)

از نظر وزن سکه هبیری و خالدی و سکه های ضرب شده توسط حجاج از با اعتبارترین سکه های دوره ی اموی به حساب می آید که در آن شکل های مثل شتر، اسب، فیل، خرگوش، درخت، ماه و ستاره دیده می شود. (دیانت، ۱۳۶۷: ۷۸-۷۹ و فراء، ۱۴۱۴: ۱۰۱)

۸- ضرب سکه در زمان عبدالملک مروان

در فتوح البلدان بلاذری چندین روایت آمده است که همگی متفق القول هستند که ضرب سکه اسلامی مستقل در زمان عبدالملک بن مروان انجام شد و به صورت گسترده انتشار یافت.

الف: محمد بن سعد از واقدی و از عثمان بن عبدالله بن موهب و او از پدرش روایت می کند که به سعید بن مسیب گفتم اولین کسی که دینار را نقشدار ضرب کرد چه کسی بود؟ او جواب داد عبدالملک بن مروان. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۴)

ب: محمد بن سعد از محمد بن عمر از ابن ابی الزناد و او از پدرش روایت می کند که عبدالملک اولین کسی بود که در عام الجماعة یعنی در سال ۷۴ هجری سکه زرین بزد. (همان)

ج: داوود ناقد می گوید: ابوزبیر ناقد به من گفت: عبدالملک بن مروان در سال ۷۴ هجری دیناری ضرب کرد و سپس در سال ۷۵ هجری باز از همان دینارها بزد. (همان: ۳۷۵)

د: محمد بن سعد از واقدی از ابن ابی الزناد و او از پدرش نقل می کند که عبدالملک اولین کسی بود که در سال ۷۴ هجری اقدام به ضرب سکه کرد. (همان)

براساس روایات تاریخی ذکر شده و روایات مشابه دیگر استنباط می گردد، که عبدالملک مروان برای اولین بار به ضرب دینار اقدام کرد. این دینار که در دمشق ضرب می شد به الدمشقیه معروف گشت.

(بلاذری، ۱۳۹۸: ۴۵۴-۴۵۵) عبدالملک مروان درصدد برآمد تا طراز رومی را به عربی تبدیل کند. امپراطوری روم از این قضیه خشمگین شد و عبدالملک را تهدید کرد که اگر چنان کند او نیز فرمان می‌دهد روی دینارهای رومی به رسول خدا (ص) ناسزا گویند. او به هراس افتاد و کمک خواست. امام باقر(ع) به او پیشنهاد کرد که از استادان ماهر کمک بخواند که سکه‌های درهم و دینار ضرب کنند و روی آن کلمه توحید و نام رسول خدا (ص) نقش نمایند. (زیدان، ۱۳۷۳: ۱۰۲) و خود را از سکه‌های رومی بی‌نیاز سازند.

عبدالملک دستور داد سوره ی توحید و کلمه ی رسول خدا (ص) را در دو طرف درهم‌ها و دینارها نقش کنند و در کناره‌ی سکه، سال و محل ضرب حک شود. وی به وزن این درهم‌ها و دینارها توجه داشت که خدشه‌ای در آن وارد نشود. آنگاه دستور به کار گرفتن سکه‌های جدید را در معاملات داد و هر متخلفی را تهدید به تعزیر، حبس طولانی و قتل نمود. (طقوش، ۱۳۸۴: ۱۴۳) سکه‌های عهد عبدالملک «سمیریه» نامیده می‌شد؛ زیرا کسی که این سکه‌ها را ضرب می‌کرد و کار آن را انجام می‌داد، یک فرد یهودی به نام سُمیر بود. (مقریزی، ۱۴۰۸: ۶۳)

بهترین رخداد در زمان امویان در ضرب سکه این بود که به دستور عبدالملک، حجاج بن یوسف ثقفی راهی در پیش گرفت تا از هر گونه غش و تقلب در سکه جلوگیری شود. این جنبش و تحولی در ضرب سکه است و زمانی که شهر واسط تاسیس شد در آن ضربخانه‌ای بنا کردند که در آن به ضرب سکه پرداختند و نوعی یکسان سازی و یکدست شدن سکه‌ها انجام شد.

اقدامات عبدالملک مروان در مورد ضرب سکه:

الف: ضرب سکه مستقل اسلامی همزمان جنبش تعریب

ب: انتشار سکه‌های ضرب شده در سطح وسیع

ج: بر خورد جدی با متقلبان سکه.

د: تاسیس ضربخانه در شهرها.

ه: دریافت مالیات ضرب سکه.

و: نوشتن آیات قرآنی و اسم رسول خدا بر روی سکه‌ها.

نتایج ضرب سکه مستقل اسلامی در دوره ی امویان

ضرب سکه‌های مستقل اسلامی در دوره امویان و رواج آن در مبادلات نتایجی به همراه داشت که شرح آن چنین است:

- ۱- از میان بردن تفاوت در میزان زکات مهریه و دیه که عبدالملک در هنگام ضرب سکه به آن توجه داشت. او در وزن همان نسبت قدیمی را که رسول خدا (ص) گفته بود به کار بست و به دستور او درهم‌هایی به وزن ده مثقال و دینارهایی به وزن هفت مثقال ضرب شد. (بلاذری، ۱۳۹۸: ۶۵۴)

- ۲-رها شدن از پول هایی که علامت تثلیث مسیحیت داشت و نماد مذهبی بود.
 - ۳-رها شدن از پول های ایرانی ها که در زمان ساسانیان ضرب شده بود.
 - ۴-یکسان سازی پول و سکه و عربی کردن آن که حکومت اموی را در پیشبرد اوضاع سیاسی و اقتصادی عصر عبدالملک و رسیدن به اهداف آن یاری رساند. (حلاق، ۱۹۸۹:۱۰۹)
 - ۵-آزادی سیادت عرب از قید نفوذ بیگانگان که زمینه ساز آزادی اقتصادی بود. (طقوش، ۱۳۸۴:۱۴۴)
- از ضرابخانه های امویان در شهرهای دمشق، کوفه، واسط، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس آثار و کشف شده است که نشان از وسعت مناطق ضرب سکه در عصر امویان دارد. (سپهری، ۱۳۸۹:۳۱۲)

نقش ها و نوشته های روی سکه های دوره اموی

- باتوجه به ضرب سکه اسلامی به صورت وسیع در دوره امویان نقش و نگارها و نوشته های روی سکه ها نیز به زبان عربی گردید که شامل موارد ذیل است:
- ۱- روی سکه ها لا اله الا الله وحده لا شریک له و اطراف آن بسم الله همراه نام شهر و سال ضرب نیز داشت. روی دیگر سکه الله احد، الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اطراف آن محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظره علی الدین کله و لو کره المشرکون نوشته شده بود.
 - ۲- سکه هایی هم منقش به تصویر عبدالملک بود.
 - ۳- حجاج بر روی سکه های ضرب شده زمانش سوره قل هو الله احد را نوشت بر اساس همین فقهاء ایراد گرفتند و این کارا را مکروه دانستند و آنرا مکروهه نامیدند. (بلاذری، ۱۳۹۸م:۴۵۴)
 - ۴- سکه ضرب شده توسط زیریان یک طرف آن برکت و طرف دیگرش الله نقش شده بود. (بلاذری، ۱۳۴۶:۳۷۵)

مالیات های وضع شده بر ضرب سکه توسط امویان

در زمان عبدالملک مروان زمانی که سکه های عربی و اسلامی ضرب شد مالیات ضرب سکه نیز معمول گردید. در زمان او از هر صد درهم یک درهم مالیات ضرب سکه می گرفتند. (دوری، ۱۹۷۴م: ۲۲۱) از یک طرف ضرب سکه منبع درآمد خوبی برای امویان بود و از طرف دیگر مالیات ضرب سکه نیز منبع دیگر درآمد برای آنها بود؛ که باعث رونق اقتصادی حکومت شده بود.

مالیات مالیات ضراب خانه

از مالیات هایی نامشروع در زمان امویان، مالیات ضرب سکه و پول در ضراب خانه ها بود که «ثمن الحطب و أجرة الضراب» نامیده می شد یعنی قیمت هیزم و اجرت سکه زدن که مقدار آن در زمان خلیفه عبد الملک بن مروان در مقابل هر صد درهم، یک درهم بود و مقدار این مالیات بر اساس شهرها گوناگون بود که

مالیاتی غیر شرعی ولی درآمدزا برای امویان بود که درآمد آن‌ها حدود ۲۰۰ هزار دینار و هر دیناری هفده درهم ارزش داشته است. (زیدان، ۱۳۷۹: ۱۰۴)

مالیات بر ضراب خانه برای اولین بار در زمان بنی امیه و خصوصاً در دوره عبدالملک بن مروان رواج یافت. این زمان که اوج رشد سکه و ضرب آن بود ظهور یافت. این خلیفه اموی سکه‌های ایرانی و رومی را از دور خارج کرد و دستور داد که یکسان سازی سکه‌ها صورت گیرد و سکه‌های اسلامی ضرب گردد که در شهرهای دمشق کوفه، واسط، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس ضرابخانه‌های ضرب سکه وجود داشت. (سپهری، ۱۳۸۹: ۳۱۲) و از این ضرابخانه‌ها مالیات‌های زیادی دریافت می‌شد که همه یکسان نبود ولی درآمد خوبی برای دولت اموی بود.

مالیات اجاره کارگران ضرب سکه

وقتی که ضرب سکه اسلامی به طور وسیع گسترش یافت؛ کارگران زیادی در ضرابخانه‌های ضرب سکه مشغول به کار شدند و از این طریق کسب درآمد می‌کردند. دولت اموی بر آن شد که از این کارگران مالیات دریافت نماید تا از این طریق کسب درآمد نماید. هرکس از پرداخت این مالیات سرباز می‌زد از کار کردن منع می‌گردید؛ تا اینکه عمر بن عبدالعزیز آنرا لغو کرد. (ابویوسف: ۸۶ و ۹۳)

مالیات خبرگان تشخیص سکه

در دوره امویان سکه‌های نقدگوناگونی در بازار وجود داشت؛ از جمله سکه‌های قیصری روم و کسرای ایران و سکه‌هایی که توسط مسلمانان در دوره‌هایی گوناگون ضرب شده بود. تا اینکه در دوره عبدالملک بن مروان سکه عربی - اسلامی واحد ضرب شد. وجود انواع و اقسام سکه‌ها در بازار و گوناگونی آنها باعث تشتت در امر تشخیص درست از نادرست سکه‌ها شده بود. لذا عده‌ای که در تشخیص انواع سکه‌ها خبره بودند و سکه‌های سره از ناسره را تشخیص می‌دادند و این کار را در قبال دریافت هزینه انجام می‌دادند و از این طریق کسب درآمد می‌کردند. حکومت اموی از اینها مالیاتی بنام "اصحاب الخبره فی تمیز النقود" دریافت می‌کرد. (ابن عبد الحکم، ۱۹۲۲م: ۱۲۹)

برخورد امویان با سکه‌های تقلبی

سکه تقلبی سکه‌ای است که از فلزات ارزان قیمت، به ظاهر به صورت سکه اصل ساخته می‌شود. در گذشته و حال کسانی که سکه تقلبی می‌ساختند، برای انجام کار خود بیشتر از فلزات ارزان چون مس و برنج سکه‌هایی شبیه به اصل فراهم می‌نمودند و بعد روی آنها را با آب زر یا سیم می‌پوشاندند و به جای سکه‌های اصل روانه بازار می‌کردند.

نکته مهم آن که در بررسی‌های تاریخی مشاهده می‌شود، هرگاه در ارکان اداری حکومت‌ها سستی پدیدار گردد، همان طوری که در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه خلل و تقلب پدید می‌آید. ضرب سکه نیز از این دایره عمل بیرون نبوده و تقلب سکه هم نمودار می‌گردد و گسترش می‌یابد علت دیگری را هم که سبب رواج بازار سکه تقلبی می‌گردد، نباید از نظر دور داشت، آن هم کمیابی سکه در سطح جامعه است که به دلایل مختلف ممکن است رخ دهد

انسان همیشه متوجه تقلب و سوء استفاده‌های افراد سود جو بوده است. در زمان جاهلیت مردم مکه که از سکه‌های رومی و ایرانی در معاملات استفاده می‌کردند مواظب تقلب در جنس و عیار سکه‌ها بودند. آنها از سکه‌هایی که از سیم و زر خالص و عیار مناسبی برخوردار نبودند در معاملات خود استفاده نمی‌کردند. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۲)

در دوره ی امویان زمانی که مسلمانان به طور رسمی اقدام به ضرب سکه اسلامی کردند. ارزش سکه‌ها از طلا و نقره بود به همین دلیل پول رایج کشور اسلامی ارزشمند بود. در این میان خطر تقلب هم وجود داشت. پس لازم بود که برخورد جدی با سکه‌های تقلبی شود تا کسی فرصت سوء استفاده پیدا نکند. عده‌ای اقدام به ضرب سکه‌های تقلبی جهت سود خود کردند که این تقلب به صورت گوناگون مانند بریدن سکه‌ها، کم کردن وزن آنها و آمیختن فلزهای کم بها و بی ارزش با طلا و نقره بود. (بلاذری، ۱۳۹۸: ۴۵۳) در دوره ی اموی، یکی از مهم ترین موضوعات در مورد سکه‌ها و ضرب آن، عدم نظارت حکومت مرکزی بر ضرب مسکوکات و سکه‌ها بود که اسباب به وجود آمدن تقلب در آنها می‌شد. ضرب این سکه‌های مقلوب و تقلبی با نام‌های تاریخی آمده است، از جمله سکه ی تقلبی با نام «المفرغه» یا سکه تقلبی دیگری بنام «الزیوف» نمونه‌هایی از سکه‌های تقلبی است. (شوشتری، ۱۳۳۹: ۶۷) «المفرغه» و «الزیوف» به معنای اصطلاحی تو خالی و بی اصالت می‌باشد و به نوعی اشاره به سکه‌ی تقلبی است. بر اساس همین تقلب‌ها در سکه بود که عبدالملک اموی به حجاج بن یوسف ثقفی دستور داد درهم‌ها را ضرب کنند و مسکوک‌های درست از نادرست را تشخیص دهند. (دیانت، ۱۳۶۷: ۷۳)

بلاذری روایت‌های تاریخی متعددی را ذکر کرده که حکایت از برخورد جدی با تقلب و تخلف در امر ضرب سکه و مجازات متخلفین دارد.

۱- عمر و عثمان هرگاه در بیت المال سکه ناروان می‌یافتند (اضافات آنرا بیرون می‌کردند) سیم سره آنرا بر می‌گرفتند. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۷)

۲- در زمان خلافت عمر عبدالله بن مسعود هرگاه سکه نادرستی در بیت المال می‌یافت آنرا به مالی که بهای آن اندک بود می‌فروخت. عمر او را از این کار نهی کرد و آن تاریخ به بعد عبدالله بن مسعود آن سکه‌ها را ذوب می‌کرد. (همان)

۳- در دوره ی عبدالملک کسانی که اقدام به ضرب سکه ی تقلبی کرده بودند، به سختی عقاب و شکنجه شدند. از جمله مردی را نزد او آوردند که چنین کرده بود و او دستور داد که به شدت او را مجازات کنند،

ابتدا می خواست دست او را قطع کند ولی از این کار چشم پوشی کرد و به سیاست او اقدام نمودند. (بلاذری، ۱۳۹۸: ۴۵۵)

۴- در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز مردی نزد او آوردند که سکه هایی غیر از سکه های رایج ضرب می کرد. عمر او را سیاست کرد و به زندان انداخت و آهن سکه سازی او را بگرفت و به آتش انداخت. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۸)

۵- ابان بن عثمان زمانی که والی مدینه بود کسانی را که درهم ها را قطعه قطعه می کردند (تقلب در سکه ها) را سیاست می کرد و هریک سی تازیانه می زد و گرد شهر می چرخاند.

۶- مروان حکم مردی که درهم های (پارسی) را قطعه قطعه می کرد را دستگیر نمود و دستش را برید. چون این خبر به زید بن ثابت رسید گفت: جزایش را داده است. (بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۷۸)

نتیجه گیری:

دردوران جاهلیت اعراب عربستان از سکه های بغلی ایرانی و هرقل رومی در مبادلات تجاری خود بهره می بردند و هیچ سکه ای در این سرزمین ضرب نمی گردید. دردوران رسول خدا (ص) نیز هیچ سکه ای ضرب نگردید و مسلمانان از سکه های رومی و ایرانی استفاده می کردند.

در عهد خلفای راشدین فقط گزارش هایی مبنی بر ضرب سکه توسط عمر و حضرت علی (ع) وجود دارد که ظاهراً حضرت علی (ع) اولین سکه مستقل اسلامی بین سالهای ۳۵ تا ۴۰ هجری ضرب نموده است که گسترش زیادی نیافت.

در دوره امویان اقداماتی جهت ضرب سکه انجام گرفت؛ معاویه اقداماتی انجام داد و سکه هایی ضرب نمود. در دوران خلفای دیگر اموی والیان آنها مانند عمر بن هبیره والی عراق در زمان خلافت یزید بن عبدالملک و خالد بن عبدالله بجلي قسری والی عراق در زمان خلافت هشام بن عبدالملک و یوسف بن عمر والی عراق در زمان خلافت ولید بن یزید به ترتیب سکه های معروف به هبیری، خالدی و یوسفی ضرب نمودند. این سکه هادر نوع خود بهترین بودند ولی گسترش و انتشار زیادی نیافتند.

در زمان عبدالملک بن مروان اقدام گسترده و فراگیری به همراه جنبش تعریب صورت گرفت. او دستور ضرب سکه های اسلامی را در سال ۷۴ هجری را دادند و تا سال ۷۶ هجری به طور گسترده این سکه در مبادلات تجاری جایگزین بقیه سکه شد. نتایج بسیار خوبی هم برای استقلال اقتصادی مسلمانان به همراه داشت.

در این دوره ضرابخانه های متعددی جهت ضرب سکه در شهرهایی مانند دمشق، کوفه، فسطاط، اسکندریه، افریقیه و اندلس احداث شده بود. در این ضرابخانه ها کارگران متعددی کار می کردند و از این طریق امرار معاش می نمودند که مالیات هایی بر کار ضرابخانه ها و بر کار کارگران شاغل در آن وضع شد.

خلفای اموی با سکه های تقلبی هم مقابله نمودند و هرکسی که تلاش می نمود در امور سکه ها تقلب نماید و از وزن و عیار آن بکاهد یا سکه شبیه آن ضرب کند، با شدیدترین وضع با او برخورد می گردید تا حدی که بلاذری از بریدن دست و زدن تازیانه هم نام برده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد حضری، ۱۹۶۷م بیروت، مقدمه، جلد ۳، دارالکتاب اللبناني.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۴۰۸هـ مقدم: تصحیح: خلیل شعاده: مراجعه: سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۹۸۱م، الصبر و دیوان المبتدأ و الخبر، دوره ۷جلدی، دارالکتب اللبناني، بیروت.
- ابن عبدالحکم (ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالله)، ۱۹۳۰م، فتوح مصر و اخبارها. چاپ لیدن.
- ابن عبدالحکم، ابو محمد عبدالله، ۱۹۶۷م، سیره عمر بن عبدالعزیز، تصحیح، احمد عیید، دارالعلم للملایین، بیروت.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله، ۱۹۲۲، فتوح مصر و اخبارها، نشر جارلس توری.
- ابن قتیبه دینوری، ۱۹۸۱م، الامامه و السیایه، چاپ سوم، موسسه الوفاء، بیروت.
- ابو عیید، قاسم بن سلام، اموال، چاپ اول، ناصر للثقافه، بیروت، ۱۹۸۱م.
- ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، دار المعرفه، بیروت، ۱۹۷۹م.
- امام شوشتری، محمد علی (۱۳۳۹) تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶) فتوح البلدان، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۹۸هـ فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالمکتب العلمیه.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۷۹م، انساب الاشراف، جلد ۱، بنوعبد شمس، تحقیق دکتر احسان عباس، دارالنشر.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۳۲، فتوح البلدان، تحقیق رضوان محمد رضوان، قاهره، چاپ مصر.
- حسینی، محمد باقر، ۱۹۶۹م، تطور النقود الاسلامیه، بغداد، دارالجاحظ.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۵۴ش) تاثیر ایرانیان در تاسیس و اداره دیوان اسلامی و مبدأ تاریخ و سکه، تهران
- حلاق، حسان علی، تعریب النقود والدواوین، بیروت، دارالکتاب اللبناني، ۱۹۷۶م
- حموی، یاقوت (ابو عبدالله رومی)، معجم البلدان، ۵جلدی، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹م.
- دوری؛ عبدالعزیز، تاریخ العراق الاقتصادی فی القرن الرابع الهجری، طبع الثانی، دار مشرق، بیروت، ۱۹۷۴م.
- دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷ش) فرهنگ تاریخی سنجش ها و ارزش ها، تبریز.
- زیدان، جرجی، ۱۳۷۹، تاریخ تمدن اسلام، علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر.
- سپهری، محمد، ۱۳۸۹- تهران، تمدن اسلامی در عصر اموی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- شوشتری، محمد علی، ۱۳۳۹ش، تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی، تهران.
- صابی، هلال بن محسن، ۱۹۶۴، رسوم دار الخلافه، تحقیق میخائیل عواد، چاپخانه عانی، بغداد.

- طبری، محمد بن جریر طبری، ۱۴۰۸هـ تاریخ الرسل والملوڪ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۹۶۷م، تاریخ الرسل و الملکوڪ، ۱۱جلدی، چاپ دوم، دارالمعارف، قاهره.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۴) دولت امویان، ترجمه ی حجت الله جودکی، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فراء، ابو یعلی، الاحکام السلطانیه، محمود حسین بیروت دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- کاهن، کلود (۱۹۸۳) تاریخ العرب و الشوب الاسلامیه، ترجمه بدر الدین قاسم، چاپ سوم: دار الحقیقت بیروت.
- کبسی و عواد (بی تا) حمدان عبدالمجید و مجید الاعظمی، دراسات فی تاریخ الاقتصاد.
- کتانی، عبدالحی (۱۳۷۶) التراتیب الاداریه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- مفید، ابو عبدالله محمد بن نعمان (۱۴۱۳) الارشاد، تحقیق: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، موسسه آل البيت.
- مقریزی، ابوالعباس، الخططالمقریزیه، دو جلدی دار صادر، بیروت. بی تا
- یحیی بن آدم، الخراج، تصحیح احمد محمد شاکر، بیروت دار المعرفه.

